

روایت سفرهای استانی رهبر شهید که وحدت ملی را از شعار به میدان عمل رساند

# رد پای خورشید؛ از ایرانشهر تا ایران



**رد پای سال‌ها حضور رهبر شهید انقلاب در میان مردم استان‌های مختلف، امروز نیز در حافظه جمعی ایرانیان دیده می‌شود؛ حضوری که گفت‌وگو، اعتماد و همبستگی ملی را به مهم‌ترین سرمایه کشور تبدیل کرد**

اما روایت، تنها روایت یک حادثه طبیعی نیست بلکه شرح مدیریت بحران است که با همت رهبر شهید و تشکیل کمیته امداد رسانی و تماس با علمای زاهدان، یزد، تهران و مشهد نسبت به تأمین آرد، خرما، مواد غذایی و همچنین توزیع منظم اقلام ضروری بین خانواده‌های سیل‌زده به مدت ۵۷۰ اقدام شد.

در این میان نکته‌ای که بیش از هر چیز در خاطرات جلب توجه می‌کند، نگاه واقع‌بینانه ایشان به حوادث است. زمانی که برخی مردم سالم مانند محل سکونت تبعیدی‌ها را کرامت دانستند، ایشان این برداشت را نپذیرفتند و توضیح دادند قرار گرفتن خانه در نقطه‌ای مرتفع، علت اصلی آسیب ندیدن آن بوده است.

همین نگاه عقلانی در کنار روحیه خدمت‌رسانی، اعتماد عمومی را بیش از پیش تقویت کرد؛ اعتمادی که بعدها در سفرهای استانی نیز یکی از پایه‌های ارتباط مستقیم با مردم شد.

## تبدیل سفرهای استانی به ابزار حکمرانی

پس از آغاز رهبری، سفرهای استانی به یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حضور میدانی رهبر شهید انقلاب تبدیل شد. این سفرها تنها دیدارهای رسمی با مسئولان نبود؛ بلکه مجموعه‌ای از ملاقات با خانواده شهدا، روحانیون، دانشگاهیان، کارگران، کشاورزان، عشایر، نخبگان و مردم عادی را دربر می‌گرفت.

وجه مشترک اغلب این سفرها، تأکید بر عدالت منطقه‌ای و شیندن بی‌واسطه مطالبات مردم بود، از این‌رو استان‌های مرزی و کمتر برخوردار، سهم قابل توجهی از این سفرها داشتند؛ مناطقی که علاوه بر ظرفیت‌های اقتصادی، از تنوع قومی و مذهبی نیز برخوردار بودند.

در ایلام، سخن از محرومیت‌زدایی و ضرورت توسعه مناطق جنگ‌زده بود؛ در لرستان، توجه به عشایر و نقش آنان در دفاع از کشور برجسته شد؛ در چهارمحال و بختیاری، ظرفیت‌های انسانی و طبیعی استان مورد تأکید قرار گرفت و در کهگیلویه و بویراحمد، عشایر به عنوان سرمایه‌های اجتماعی کشور معرفی شدند.

## وقتی تفاوت‌ها فرصت شدند

شاید برجسته‌ترین محور مشترک سفرهای استانی، نگاه به تنوع قومی و مذهبی ایران بود و این نگاه به‌ویژه در استان‌هایی مانند کردستان، آذربایجان غربی، خوزستان و سیستان و بلوچستان بیش از هر جای دیگر جلوه پیدا کرد.

**بابک رحیمیان** | خیابان‌های مملو از جمعیت در مراسم تشییع، تنها صحنه بدرقه یک رهبر سیاسی نیست؛ این حضور گسترده، فرصتی برای بازخوانی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران رهبری شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای است؛ رویکردی که تلاش داشت پیوند میان حاکمیت و جامعه را نه از پشت تریبون‌ها، بلکه در متن زندگی مردم تعریف کند.

در میان همه جلوه‌های این رویکرد، سفرهای استانی توسط رهبر شهید جایگاهی ویژه داشت؛ سفرهایی که طی بیش از سه دهه به یکی از شناخته‌شده‌ترین ابزارهای ارتباط مستقیم با مردم تبدیل شد.

در نگاه ایشان اداره کشور تنها با گزارش‌های اداری و آمارهای رسمی ممکن نبود به همین دلیل از سال‌های ابتدایی رهبری، سفر به استان‌های مختلف کشور به برنامه‌های مستمر تبدیل شد؛ حضوری که از شهرهای بزرگ تا مناطق مرزی و کمتر برخوردار را در بر می‌گرفت و تلاش می‌کرد فاصله میان مرکز و پیرامون را کاهش دهد.

برخلاف بسیاری از سفرهای رسمی، محور این برنامه‌ها صرفاً افتتاح پروژه‌ها یا دیدار با مسئولان نبود و در هر استان، دیدار با اقشار مختلف جامعه از کارگران و کشاورزان گرفته تا معلمان، دانشگاهیان، نخبگان، خانواده‌های شهدا، فعالان فرهنگی، روحانیون، عشایر و اقلیت‌های مذهبی را فرا می‌گرفت. این دیدارها فرصتی بود تا مسائل و مطالبات مردم بدون واسطه مطرح شود و بسیاری از مشکلات منطقه‌ای در همان جلسات مورد بررسی قرار گیرد.

## تبعیدی که به راهبرد ملی بدل شد

«تبعید» در ادبیات مبارزه سیاسی، معمولاً مترادف دوری، انزوا و خاموش کردن صدای مخالفان است؛ اما گاهی تاریخ مسیر دیگری را رقم می‌زند.

در زمستان سال ۱۳۵۶ هنگامی که رژیم پهلوی حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای را به ایرانشهر تبعید کرد، تصور می‌کرد یکی از فعال‌ترین مبارزان نهضت اسلامی را از متن حوادث دور کرده است غافل از آنکه همان تبعید، نقطه آغاز تجربه‌ای بود که بعدها در قامت سفرهای استانی و ارتباط مستقیم با مردم، به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران رهبری ایشان تبدیل شد؛ رویکردی که محور آن وحدت ملی، همزیستی اقوام و مذاهب و حضور بی‌واسطه در میان مردم بود.

روایت این روزها در کتاب «خون دلی که لعل شد» تنها خاطره‌ای از دوران مبارزه نیست؛ بلکه تصویری از شیوه‌ای در مدیریت اجتماعی و سیاسی است که سال‌ها بعد در جای‌جای ایران تکرار شد؛ از کردستان و آذربایجان غربی گرفته تا خوزستان، گلستان و سیستان و بلوچستان این راهبرد وحدت‌آفرین دنبال شد.

## ایرانشهر؛ نقطه آغاز تقریب

رهبر شهید انقلاب در خاطرات خود از نخستین روزهای ورود به ایرانشهر، شهری را توصیف می‌کنند که با وجود ظرفیت‌های فراوان، فاصله‌های ذهنی میان شیعه و اهل سنت در آن محسوس بود، از این‌رو نخستین اقدام ایشان، احیای مسجد آل‌رسول (ص) بود؛ مسجدی که سال‌ها تنها در ایام محرم رونق می‌گرفت و بخش عمده سال تعطیل بود.

با حضور آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مسجد آل‌رسول (ص) به تدریج به محل رفت‌وآمد جوانان، گفت‌وگوهای فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی تبدیل شد. در همین راستا ارتباط با نوجوانان و دانش‌آموزان شهر، حضور در میان مردم و سفرهای هفتگی به بزمان، شبکه‌ای از ارتباطات مردمی را شکل داد که ساواک را نسبت به فعالیت‌های ایشان حساس کرد.

اما مهم‌ترین اتفاق بنا بر خاطرات ایشان، گفت‌وگو با مولوی قمرالدین، امام جماعت مسجد نور ایرانشهر بود که نتیجه این گفت‌وگوها، برگزاری مراسم مشترک میلاد پیامبر (کم‌رم) (ص) از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول بود؛ ابتکاری که سال‌ها بعد با عنوان «هفته وحدت» در جمهوری اسلامی به یکی از مهم‌ترین نمادهای تقریب مذاهب اسلامی تبدیل شد.

آنچه در ایرانشهر رخ داد، صرفاً یک برنامه مذهبی نبود، بلکه الگویی برای تبدیل اختلاف‌های تاریخی به همکاری اجتماعی بود؛ الگویی که بعدها در بسیاری از سفرهای استانی نیز دیده شد.

## سیل؛ آزمون مدیریت در میدان

تنها چند هفته پس از حضور در ایرانشهر، سیلی ویرانگر بخش بزرگی از شهر را در بر گرفت که رهبر شهید انقلاب در خاطرات خود، آن شب را با صدای فرور یختن خانه‌ها، تاریکی ناشی از قطع برق و فریادهای کمک‌خواهی مردم توصیف می‌کنند.

ملاقات با نخبگان و دانشگاهیان و حضور در میان اقشار مختلف جامعه، تصویری متفاوت از ارتباط میان حاکمیت و مردم ارائه می‌داد.

در بسیاری از این سفرها، مسائل توسعه‌ای استان‌ها، مشکلات زیرساختی، ظرفیت‌های اقتصادی، نیازهای فرهنگی و حتی موضوعات مرتبط با محیط‌زیست و کشاورزی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت و همین ارتباط مستقیم، امکان انتقال بی‌واسطه مطالبات مردم را فراهم و تصمیم‌گیری‌ها را به واقعیت‌های محلی نزدیک‌تر می‌کرد.

حضور در مناطق مرزی و کمتر برخوردار نیز بخشی از همین رویکرد بود، از این‌رو در این سفرها توسعه متوازن، شنیدن مطالبات مردم و توجه به ظرفیت‌های محلی، در کنار حفظ امنیت و همبستگی ملی، جایگاه ویژه‌ای داشت زیرا ایشان بر این باور بودند که امنیت پایدار، بدون اعتماد عمومی و مشارکت مردم شکل نخواهد گرفت.

## میدان؛ نقطه آغاز تصمیم‌گیری

امروز با مرور خاطرات ایرانشهر و ده‌ها سفر استانی، بیش از آنکه فهرستی از برنامه‌ها یا سخنرانی‌ها پیش روی ما باشد، یک شیوه حکمرانی دیده می‌شود؛ شیوه‌ای که بر سه پایه «حضور»، «گفت‌وگو» و «اعتماد به مردم» استوار است و یکی از تفاوت‌های مهم سفرهای استانی رهبر شهید با سفرهای رسمی توجه به شنیدن بود.

دیدار با کشاورزان، حضور در روستاها، نشست با استادان دانشگاه، گفت‌وگو با جوانان، ملاقات با خانواده‌های شهدا و ایناگرگان و حضور در مناطق زلزله‌زده با محروم‌نشان می‌داد تصمیم‌گیری بدون شناخت میدانی از مسائل، کامل نمی‌شود به همین دلیل در بسیاری از این سفرها، علاوه بر موضوعات کلان سیاسی، مسائل آب، کشاورزی، صنعت، راه، اشتغال، آموزش، محیط‌زیست و ظرفیت‌های بومی استان‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گرفت.

در لرستان، سخن از رفح محرومیت بود؛ در چهارمحال و بختیاری، توسعه بر پایه ظرفیت‌های طبیعی؛ در ایلام، جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از جنگ؛ در هرمزگان، استفاده از ظرفیت دریا؛ در کرمانشاه، نقش مردم در پیشرفت و درگیلان،

ملاقات با نخبگان و دانشگاهیان و حضور در میان اقشار مختلف جامعه، تصویری متفاوت از ارتباط میان حاکمیت و مردم ارائه می‌داد.

در بسیاری از این سفرها، مسائل توسعه‌ای استان‌ها، مشکلات زیرساختی، ظرفیت‌های اقتصادی، نیازهای فرهنگی و حتی موضوعات مرتبط با محیط‌زیست و کشاورزی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت و همین ارتباط مستقیم، امکان انتقال بی‌واسطه مطالبات مردم را فراهم و تصمیم‌گیری‌ها را به واقعیت‌های محلی نزدیک‌تر می‌کرد.

حضور در مناطق مرزی و کمتر برخوردار نیز بخشی از همین رویکرد بود، از این‌رو در این سفرها توسعه متوازن، شنیدن مطالبات مردم و توجه به ظرفیت‌های محلی، در کنار حفظ امنیت و همبستگی ملی، جایگاه ویژه‌ای داشت زیرا ایشان بر این باور بودند که امنیت پایدار، بدون اعتماد عمومی و مشارکت مردم شکل نخواهد گرفت.

## بازگشت به سرزمین خارطه‌ها

سفر سال ۱۳۸۱ رهبر شهید انقلاب به استان سیستان و بلوچستان، رنگ و بویی متفاوت داشت و این بار ایشان نه به عنوان یک شخصیت تبعیدی، بلکه در جایگاه رهبر جمهوری اسلامی به همان سرزمینی بازگشتند که سال‌ها پیش روزهای سخت مبارزه را در آن سپری کرده بودند.

ایشان در جمع مردم زاهدان، از خاطرات آن سال‌ها یاد کردند و گفتند این استان برای ایشان «استان خارطه‌ها» است؛ استانی که در آن محبت مردم بلوچ، سیستانی و دیگر اقوام را از نزدیک تجربه کرده‌اند.

همین خاطرات سبب شد بار دیگر بر ضرورت حفظ وحدت میان اقوام و مذاهب، توجه به توسعه مناطق مرزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی استان تأکید شود؛ همان مفاهیمی که ریشه آن را باید در روزهای تبعید ایرانشهر جست‌وجو کرد.

## حکمرانی از متن جامعه

یکی از ویژگی‌های مشترک همه سفرهای رهبر شهید، فاصله گرفتن از تشریفات اداری و نزدیک شدن به واقعیت‌های زندگی مردم بود و دیدارهای ایشان با روستاییان، حضور در مناطق زلزله‌زده، گفت‌وگو با عشایر، سرکشی به خانواده‌های شهدا،

ملاقات با نخبگان و دانشگاهیان و حضور در میان اقشار مختلف جامعه، تصویری متفاوت از ارتباط میان حاکمیت و مردم ارائه می‌داد.

حفاظت از سرمایه‌های انسانی و طبیعی مطرح شد.

## استمرار یک راهبرد وحدت‌آفرین

اگر خاطرات ایرانشهر را نقطه آغاز این مسیر بدانیم، سفرهای استانی را باید استمرار همان نگاه تلقی کرد؛ نگاهی که وحدت را نه در قالب شعار، بلکه در میدان عمل دنبال می‌کرد.

از احیای مسجد آل‌رسول (ص) و گفت‌وگو با علمای اهل سنت گرفته تا امداد رسانی به سیل‌زدگان، از حضور در میان عشایر لرستان و کهگیلویه تا تأکید بر همزیستی اقوام در کردستان و آذربایجان غربی، یک خط فکری مشترک قابل مشاهده است؛ اینکه ایران با همه تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی خود، زمانی قدرتمند خواهد بود که تفاوت‌ها به سرمایه‌ای برای هم‌افزایی تبدیل شوند، نه زمینه‌ای برای اختلاف!

سفرهای رهبر شهید به اقصی نقاط ایران موجب شد در کردستان، تنوع اقوام فرصتی برای تکمیل یکدیگر معرفی شود نه تهدیدی برای امنیت ملی و در آذربایجان غربی نیز همزیستی شیعه و سنی، ترک و کرد و همچنین مسلمان و مسیحی، نمونه‌ای از بلوغ اجتماعی مردم این استان قلمداد شد.

در خوزستان، مقاومت مردم عرب، لر، بختیاری، فارس و دیگر اقوام در دوران دفاع مقدس، الگویی از وحدت ملی معرفی شد؛ وحدتی که اجازه نداد دشمن حتی یک وجب از خاک ایران را جدا کند.

شاید به همین دلیل است که امروز با مرور خاطرات تبعید ایرانشهر و ده‌ها سفر استانی پس از آن، بیش از هر چیز تصویری از «حضور» در ذهن باقی می‌ماند؛ حضوری که از دل آن، گفت‌وگو، همدلی، خدمت و وحدت زاده شد و رد پای آن همچنان در حافظه اجتماعی ایرانیان دیده می‌شود.

## سفرهای استانی الگویی اداره کشور

در سال‌هایی که دوقطبی‌های سیاسی و اجتماعی پررنگ‌تر شد، رهبر شهید انقلاب بارها نسبت به پیامدهای شکاف اجتماعی هشدار دادند و بر مفاهیمی چون همدلی، برادری و انسجام تأکید کردند بدین سبب سفرهای استانی را می‌توان جلوه ملی این نگاه دانست؛ راهبردی که می‌کوشید در جامعه‌ای متکثر، وحدت‌رانه به معنای یکسان‌سازی، بلکه به معنای هم‌افزایی در عین تفاوت‌ها تعریف کند؛ رویکردی که امروز نیز همزمان با مراسم تشییع، به عنوان بخشی از میراث اجتماعی ایشان مورد توجه قرار گرفته است.

تصاویر حضور رهبر شهید انقلاب در میان زلزله‌زدگان، روستاییان، کارگران و خانواده‌های آسیب‌دیده، بخشی از حافظه جمعی ایرانیان شده است؛ تصاویری که نشان می‌داد ارتباط با مردم تنها در چارچوب جلسات رسمی تعریف نمی‌شود.

در کنار همه این خاطرات، شاید مهم‌ترین ویژگی این شیوه حکمرانی، استمرار آن در طول بیش از سه دهه باشد.

سفرهای استانی رهبر شهید انقلاب برنامه‌هایی مقطعی یا واکنشی به رخدادها نیست؛ روز نبودند، بلکه به بخشی از الگوی اداره کشور تبدیل شدند؛ الگویی که بر حضور در میدان، مشاهده بی‌واسطه واقعیت‌ها و گفت‌وگو با مردم استوار بود.

در بسیاری از استان‌ها، این سفرها علاوه بر ایجاد امید و نشاط اجتماعی، موجب شد ظرفیت‌های کمتر دیده‌شده مناطق مختلف کشور بیش از گذشته در معرض توجه قرار گیرد و مسائل محلی به سطح تصمیم‌گیری‌های ملی راه پیدا کند.

از سوی دیگر، این حضور میدانی تنها به شنیدن مشکلات محدود نمی‌شد بلکه تأکید بر توانمندی‌های بومی، نقش‌آفرینی جوانان، استفاده از ظرفیت نخبگان و تقویت اعتماد عمومی، از محورهای مشترکی بود که در دیدارهای مختلف تکرار می‌شد، بر همین اساس در این نگاه، توسعه زمانی پایدار خواهد بود که مردم خود را شریک پیشرفت کشور بدانند و احساس کنند صدای آنان شنیده می‌شود؛ رویکردی که در بسیاری از سخنرانی‌های استانی نیز بازتاب یافت.

اکنون که مراسم تشییع رهبر شهید، بار دیگر صحنه حضور گسترده اقشار مختلف مردم، اقوام و پیروان مذاهب گوناگون را رقم زده است، مرور آن سفرها تنها بازخوانی بخشی از تاریخ معاصر ایران نیست؛ بلکه یادآوری مسیری است که بر پایه گفت‌وگو، همدلی و اعتماد متقابل شکل گرفت.

از ایرانشهر سال‌های تبعید تا ده‌ها سفر رهبر شهید به دورترین نقاط کشور، یک پیام مشترک به چشم می‌خورد که سرمایه اصلی ایران؛ مردم آن هستند و حفظ انسجام ملی، بیش از هر چیز در گرو تقویت همین سرمایه اجتماعی است و شاید به همین دلیل باشد که رد پای آن حضورها، امروز نیز در حافظه جمعی جامعه باقی مانده و در ر این بدرقه ایشان بار دیگر خود را در قالب همبستگی و وحدت ملی نشان داده است.

تراج: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

خلق عالم است؟ «۱۴. از برادران «رایت»، مخترعان هواپیما - شادی - همسر زن ۱۵. سروری - بیماری ریشه‌دار - یار پیچ

حل جدول

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰